

قدرت مختلف حمایت و هزینه‌های سیاسی و امنیتی آنها را تأمین می‌کند، رونق می‌یابد و رشد می‌کند. کاهش در یک نوع رانت ممکن است نظام سیاسی را به افزایش رانت در سایر حوزه‌های فعالیت سوق دهد. (۶۹)

سود بالایی که می‌توان نسبتاً راحت از غارت مواد معدنی به دست آورد، عامل فوق‌العاده قوی برای جذب گروه‌های ذینفع به تجارت معدن است. با کسب تجربه، شناسایی بازارها (برای مثال سنگ لاجورد برای چین و تالک برای اروپا)، باز شدن مسیرهای حمل‌ونقل و توسعه ارتباطات تجاری این سود مستمراً دست یافتنی تر شده است. چنین پویایی‌هایی می‌تواند در طول زمان استخراج معادن را به سرعت تشدید کند، همان‌گونه که درباره سنگ لاجورد، تالک و ظاهراً کرومیت در میان سایر مواد معدنی رخ داده است.

تکه‌تکه شدن حکومت و وحدت ملی ممکن است به طور کلی در کنترپراکندگی‌های قومی و گروهی یکی از عوامل تقویت این وضعیت باشد. دولت کرزای که از میان صاحبان قدرت و گروه‌های ذینفع مختلف گرد هم آمده بودند، بهره‌ای از یکپارچگی نداشت و به دلیل فساد فزاینده در معرض آسیب بود. به هر حال قطبی شدن حکومت بین دو جناح آن و تنش‌های موجود در دو طرف و تشدید شکاف‌های قومی شاید به طور کلی غارت مواد معدنی را توجیه و ترغیب کند.

هر چند معمولاً مختص صنایع استخراجی نیست (سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در معدن نوعاً برای بازدهی به دوره‌های طولانی نیاز دارند و افق‌های زمانی در آنها دور هستند)، تحمیل و تشدید دوره‌های کوتاه مدت به این صنعت احتمالاً تا حدی به غارت سریع مواد معدنی در سال‌های اخیر کمک کرده است. این غارت شامل تکنیک‌های اصلی استخراج معدن (حتی در صورت مکانیزه بودن)، فرآوری حداقلی در اکثر موارد و حمل‌ونقل کامیونی به خارج از کشور بوده است. از این رو با سرمایه‌گذاری‌های نسبتاً محدود و کوتاه مدت می‌توان نسبتاً سریع منافع زیادی را به دست آورد. با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ و پایان دادن به آنکه طبیعتاً عدم اطمینان را به همراه داشت، افق زمانی برای سرمایه‌گذاری در افغانستان کوتاه شد.

این وضعیت پس از اعلام تاریخ خاتمه عملیات نظامی توسط ایالات متحده تا پایان سال ۲۰۱۴ و خروج کامل نیروها تا پایان سال ۲۰۱۶ (که متعاقباً لغو شد) و با وخامت تدریجی وضعیت امنیتی همراه با شکنندگی اوضاع سیاسی، عدم قطعیت و افق‌های زمانی کوتاه مرتبط با خود حکومت وحدت ملی (بویژه با نزدیک شدن به تاریخ انتخابات ریاست جمهوری بعد که از حالا تنها دو سال دیگر به آن باقی مانده است) تشدید شد.

متأسفانه چنین به نظر می‌رسد که انگیزه‌ها و تحرکات همگی در جهت تشدید غارت صنعتی بیشتر و نه کمتر عمل می‌کنند. هنگامی که چنین غارت‌هایی درباره بازار جهانی، بویژه در مورد سنگ لاجورد و نیز سایر منابع معدنی قابل توجه می‌شود، کاهش شدید قیمت که منعکس‌کننده اشباع بازار در نتیجه خروج مقادیر زیادی از این منابع از افغانستان است، می‌تواند از گسترش بیشتر غارت در مقیاس کلان جلوگیری کند و یا از سرعت آن بکاهد. به هر حال اشباع بازار ممکن است غارت در مقیاس صنعتی را کند نماید، اما نمی‌تواند آن را متوقف سازد. علاوه بر این اشباع بازار ممکن است به جای کاهش غارت همه مواد معدنی منجر به تغییر یک ماده به سمت مواد سودآورتر شود.



پی‌نوشت:

[1] Industrial-scale looting of Afghanistan's mineral resources

USIP [۲]

مؤسسه صلح ایالات متحده مؤسسه‌ای مستقل و غیرحزبی است که توسط کنگره تأسیس و تأمین مالی شده است. William A. Byrd [۳] ویلیام بیرد، کارشناس ارشد صلح ایالات متحده (USIP) درباره اقتصاد افغانستان و موضوعات مرتبط با آن مطالبی زیادی را منتشر کرده است. [۴] جاوید نورانی، پژوهشگری مستقل و عضو هیأت مدیره کمیسیون مشترک نظارت و ارزیابی افغانستان (MEC) است. او کار میدانی جامع و گسترده، مصاحبه‌ها و تحقیقات مستند مفصلی را درباره بخش استخراج منابع و معادن افغانستان انجام داده است. مصاحبه‌هایی که در این گزارش به آنها اشاره شده‌اند، توسط یکی از نویسندگان به عنوان پژوهشگر مستقل انجام شده‌اند. نظرات اظهار شده در گزارش متعلق به نویسندگان است و ربطی به (MEC) یا (USIP) ندارند و لذا این دو نهاد مسئولیتی را در قبال آنها نمی‌پذیرند.

شماره ۱۴۰

شماره سوم • اسفند ۱۴۰۱